

اقدام پژوهی

(اصول و روش‌ها)

تألیف

جین مک نیف - جک وایتهد

ترجمه

امیدونداد



نشر ریسمان

۱۳۹۲

سرشناسه: مک نیف، جین Mc Niff, Jean
عنوان و نام پدیدآور: اقدام پژوهی/ تالیف جین مک نیف، جک وایتهد؛ ترجمه امید ونداد.
مشخصات نشر: ریسمان، ایلام، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری: ۲۷۵ ص، جدول، نمودار.
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: Action research : principles and practice , 2nd., 2002.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۱۷-۲۴-۱
موضوع: تحقیق عملی در آموزش و پرورش
موضوع: تحقیق عملی -- روش شناسی
شناسه افزوده: وایتهد، جک
شناسه افزوده: Whitehead, Jack
شناسه افزوده: ونداد، امید، ۱۳۵۷-، مترجم
رده بندی کنگره: LB ۲۴/۲۸/۱۰۱۷/۷ الف ۱۳۹۲
رده بندی دیویی: ۳۷۰/۷۲
شماره کتتابشناسی ملی: ۲۲۰۰۳۰۵



نشر ریسمان

اقدام پژوهی

تالیف جین مک نیف، جک وایتهد

ترجمه امید ونداد.

صفحه آرا و طراح جلد: فرنگیس قادری

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۵۰

قیمت: ۱۷۵۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۱۷-۲۴-۱

WWW.RISMANPUB.COM

INFO@RISMANPUB.COM

مرکز پخش تهران: ۱- پخش کتاب حدیث- تلفکس ۶۶۹۷۸۵۱۸ فروشگاه شماره ۲- پخش کتاب گزیده- خیابان فخر رازی-
فروشگاه ۳: کتاب حکمت- نیش خیابان وصال شیرازی پخش شهرستان: ایلام - کتاب ققنوس ۰۹۱۸۱۴۱۳۴۰۴
همه حقوق این اثر محفوظ است و هرگونه کپی، تکثیر، نمونه برداری، نقل قول، بازنویسی و ترجمه از آن و ذخیره و ضبط
در سیستم بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی ممنوع است.

پیشگفتار مترجم	۹
مقدمه	۱۱
بخش اول: ما چه می دانیم؟ اصول اقدام پژوهی	۳۳
فصل اول: ما چه می دانیم؟ اصول اقدام پژوهی	۳۷
فصل دوم: چگونه به شناخت می رسیم؟ پیوند نظریه و عمل	۶۱
فصل سوم: چه کسانی در تفکر ما تأثیر داشته اند؟	۸۳
فصل چهارم: چه چیزی را باید بدانیم؟	۱۱۷
بخش دوم: ما چه کاری انجام می دهیم؟ عمل اقدام پژوهی	۱۳۵
فصل پنجم: اقدام پژوهی چگونه انجام می گیرد؟	۱۳۹
فصل ششم: مباحث عملی	۱۶۳
فصل هفتم: قابل درک نمودن داده ها و ارائه مستندات و مدارک	۱۷۵
فصل هشتم: اعتبار ادعای علمی	۱۹۵
بخش سوم: چگونه دانش مان را به اشتراک گذاریم؟	۲۰۹
فصل نهم: اقدام پژوهی در خانه	۲۱۳
فصل دهم: پیش بینی آنچه پیش بینی نشده است	۲۲۷
فصل یازدهم: کامپیوتر را کجا قرار دهیم؟	۲۳۳
فصل دوازدهم: درگیری من در اقدام پژوهی	۲۳۹
بخش چهارم: سهیم شدن در یک نظم مطلوب اجتماعی از طریق	۲۴۳
فصل سیزدهم: اقدام پژوهی و نظم مطلوب اجتماعی	۲۴۷
فصل چهاردهم: اهمیت کار	۲۶۳
REFERENCES	۲۷۷

فهرست اشکال

- ۳-۱: چرخه ی عمل - باز اندیشی..... ۸۶
- ۳-۲: توالی چرخه های عمل - باز اندیشی ۸۷
- ۳-۳: جنبه ی فردی اقدام پژوهی..... ۹۴
- ۳-۴: شکل اصلاح شده ی مدل لوین از اقدام پژوهی..... ۱۰۰
- ۳-۵: فرایند تکاملی - تحولی زایشی..... ۱۱۲
- ۳-۶: یک جنبه از فرایند تکاملی - تحولی زایشی..... ۱۱۳
- ۳-۷: پیدایش اندیشه ها در پارادایم های تحقیق ۱۱۴
- ۷-۱: تحلیل جامعه منجی ۱۸۲
- ۸-۱: دگرگونی و تبدیل دانش ضمنی به عینی ۱۹۶

پیشگفتار مترجم

علاقه به توسعه توانایی های فکری پدیده ای نیست که در عصر حاضر مورد توجه قرار گرفته باشد. در جوامع بشری امروز و فردا، در جامعه ای بیشترین پیشرفت را می توان انتظار داشت که همه ی اعضای آن بتوانند در هر موقعیت و جایگاهی که قرار دارند نسبت به خود، خانواده و جامعه بومی و جامعه فرا بومی خود متعهد بوده و نسبت به رفع مشکلات و معایب خود گام برداشته و نقاط قوت خود را بیشتر مد نظر قرار داده تا پیشرفت همه جانبه ای در همه امور و شئون زندگی نمود واقعی یابد. چنین تغییراتی مستلزم آنست که به این سؤال که همزاد تولد بشری است پاسخی روشن و درست بدهیم. آن سؤال این است که راه دستیابی به حقیقت اصیل و واقعی چیست؟ چگونه می توانیم یکدیگر را در راه رسیدن به دانش نو و سازمان یافته ای که ما را در این مسیر یاری می رساند کمک کنیم. بسیاری بر این باورند که تنها از طریق روش های علمی اثبات گرایانه (پوزیتیویستی) می توان به سؤال فوق پاسخ گفت، اگر چنین باشد پس وظیفه ی سایر اعضای جامعه چیست یا چه می تواند باشد. آنچه در اقدام پژوهی بدان پرداخته می شود این است که هر کسی در هر جایگاه، مقام و موقعیت مکانی و زمانی و در هر سطح از توانایی که قرار دارد می تواند به بهبود اعمال و فعالیت های خود بپردازد.

این اثر به بیان اصول اقدام پژوهی، چگونگی پیوند بین نظر و عمل، انجام اقدام پژوهی، معتبر سازی داده ها و و چگونگی سهم کردن دیگران در یافته های

اقدام پژوهی و در نهایت با ارائه برخی گزارش های اقدام پژوهی به پایان می رسد.

انگیزه اصلی ترجمه ی این کتاب به لحاظ اهمیتی است که هر انسانی را به سمت آن می کشاند و آن چیزی نیست جز یافتن حقیقت و حقیقت جویی که سر آغاز و انجام هر تحقیقی منوط به آن است. امید است با استفاده از مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته بتوانیم موجبات اعتلا و پیشرفت خودمان و دیگران را فراهم سازیم.

ترجمه این کتاب به اوقات بسیاری نیاز داشته است و این اوقات فراهم نمی گشت مگر با کاهش اوقاتی که اصولاً می باید به اعضای خانواده و دوستان اختصاص می یافت. بنابراین از همسر و فرزندان خود و سایر دوستان که با سعه ی صدر ، مشکلات حاصل از مشغله های علمی ام را تحمل کرده و همواره مشوق من در چاپ این اثر بوده اند بی نهایت تقدیر و تشکر می کنم و موفقیت و سلامتی آنان را از خداوند متعال خواهانم.

مقدمه

مباحثی بسیار زیادی از اولین چاپ (ویرایش اول این کتاب در سال ۱۹۸۸) پیرامون هر دو هم دنیای اقدام پژوهی^۱ و هم در مورد یادگیری خودم، اتفاق افتاده است.

در سال ۱۹۸۸ اقدام پژوهی هنوز در پی مشروعیت خویش بود. امروزه شکل معتبری از بررسی و تحقیق، با روش‌شناسی‌ها، معرفت‌شناسی‌ها، معیارها و استانداردهای قضاوتی خویش است. هنوز مباحثی پیرامون ماهیت اقدام پژوهی در مورد اینکه افراد چگونه با چه مقاصدی تحقیقشان را انجام می‌دهند وجود دارد، اما یک توافق عمومی وجود دارد و آن اینست که اقدام پژوهی هویت خودش را داراست و نباید درباره آن بر حسب شکل‌های سنتی تحقیق قضاوت نمود.

این کتاب رساله‌ای از اقدام پژوهی است که از سال ۱۹۸۸ در آن درگیر بوده‌ام. آن بیان‌کننده این است که چه چیزی یاد گرفته‌ام، چگونه یادگیری‌ام بهبود یافته، و اینکه انتظار دارم چه چیزی در آینده یاد بگیرم. من با انجام اقدام پژوهی درباره‌ی اقدام پژوهی یاد گرفته‌ام.

در نتیجه مطالعه عمل به عنوان یک مربی حرفه‌ای دریافتیم که نقطه ثقل این موضوع آن است که چگونه می‌توانم رشد نظم اجتماعی مطلوب از طریق آموزش و پرورش را تحت کنترل در آورم. این به معنای صرف زمان جهت

برخی از معادل‌های این اصطلاح عبارتند از: اقدام پژوهشی، پژوهش ضمن عمل 1. Action research و تحقیق عمل

تلاش برای فهم ماهیت نظم مطلوب و اینکه چگونه ممکن است بوجود آید می‌باشد: برای مثال در مباحث اساسی همچون آزادی، تکثرگرایی^۱ و عدالت اجتماعی و موضوعات روش شناسانه‌ای چون؛ چگونه دانش خلق شده و اشاعه می‌یابد درگیر می‌شوم. بطور فراینده‌ای دارم به اهمیت این سؤال افلاطون پی می‌بردم که چگونه ممکن است یک شخص و بسیاری دیگر را در یک زمان مشابه تحت کنترل در آورده (به صفحه ۵ نگاه کنید).

اکنون پس از سالها می‌دانم چگونه می‌توان آن را نشان داد، من تمرکز بر پرونده‌های تحقیقی درون پروژه تحقیق گسترده‌تری از کار در جهت یک نظم مطلوب را بر عهده گرفته‌ام و اینکه چگونه به ماهیت دوباره ساخته شده اقدام پژوهی به عنوان یک فرایند مشکل ساز و دشوار رسیدن به شناخت به عنوان مسیر دانش حقیقی رسیده‌ام.

آن یک تمرین تحقیقی مفید جهت ارزیابی نمودن لحظه به لحظه، به منظور تصمیم‌گیری در مورد چگونگی حرکت به سمت جلو است. برای مثال، انجمن تحقیقات آموزشی آمریکا این موضوع را به عنوان سؤال سال ۲۰۰۱ تعیین نمود: 'ما چه می‌دانیم؟ ما چگونه به آن آگاه شده‌ایم و شناخت پیدا کرده ایم؟' من نیز قصد دارم سوالات مشابهی را در ارتباط با یادگیری خودم مطرح سازم. ناگزیر این کار شامل آزمودن ایده‌هایم در برابر نظریه‌های موجود در پیشینه می‌باشد، من می‌خواهم ببرسم 'چگونه دانشم را اعتبار بخشم؟' 'چگونه می‌توانم دانشم را به اشتراک بگذارم؟' 'چگونه از دانشم استفاده خواهم کرد؟' لازم به ذکر است این سوالات به عنوان اصول سازمان دهنده در تمام این کتاب عمل می‌کنند. یک جنبه اصلی از تحقیق من رسیدن به اهمیت نقد کردن فرضیه‌ای است که علت اصلی ایده‌ها و عمل من می‌باشد. من نیز مایلم اظهار نظر مایکل یونگ^۲ را در زیر دنبال کنم، او با صحبت کردن در زمینه ی تغییر برنامه درسی می‌گوید: اگر معلمان

1. Phrualism

2. Michael Young

فرضیات زیر بنایی اعمالشان را به منظور بررسی انتقادی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند، خواهند فهمید که چگونه برنامه درسی را تغییر دهند (یونگ ۱۹۹۸، ص ۲۷). چنین چیزی را می توان در مورد بهبود ایده ها به کار گرفت. اگر محققان سعی کنند فرض های زیربنایی نظریه هایشان را درک کنند، ممکن است پی ببرند که چگونه و چرا آنها را مورد نقد قرار داده و سپس آنها را بهبود بخشند. اکنون من نسبت به فرضیاتی که علت اصلی ایده ها و اعمال می باشند، آگاهم. این اظهارات وقتی که ویرایش اول را می نوشتم درست نبودند. من در حال نقد و بررسی ایده ها و اعمالم بودم و سعی می کردم دیگران را نیز تحت تأثیر این گونه نقادی ها قرار دهم زیرا معتقدم نقادی برای ایجاد دانش غیر تحمیلی در جهت ایجاد نظم مطلوب جامعه، ضروری است. ادوارد ساید^۱ (۱۹۹۱ ص ۲۸) می گوید:

من به صورت جدی انتقاد می کنم آنچه آنچنان که بدان معتقدم، حتی در مواجهه با آنچه یک شخص آن را در برابر دیگران غیر قابل تردید می داند باید انتقاد نمود (انتقاد از مباحث، مشکلات، ارزشها، و هر آنچه که برای زندگی کردن بخواهم با آنها روبرو شوم) بخاطر اینکه باید یک نقد آگاهانه وجود داشته باشد. اکنون فهمیده ام عملم از قبل بهتر شده است چه به عنوان یک مربی حرفه ای و چه به عنوان یک نظریه پرداز، پی برده ام که در حال انجام چه کاری هستم، چرا و چگونه در حال انجام آن هستم.

من در ویرایش اول اساساً علاقمند به رویه های اقدام پژوهی بودم. در خلال دهه ۱۹۸۰ در حالی که درباره اقدام پژوهی به عنوان فرایندی خلاق و خودجوش می نوشتم در حال یکپارچه کردن اقدام پژوهی درون عمل خودم نیز بودم. که این خود عقیده ای آشکار از زمینه ای مطمئن از تحقیق در حوزه نفوذ خودم می باشد. من در این نقطه از زمان حمایت از دیگران در انجام اقدام پژوهی شان را شروع نکرده ام، یا اینکه آنرا در زمینه ای مشکل ساز انجام نداده ام بلکه به مدت ده سال

با مربیان حرفه‌های مختلف، (اساساً در ایرلند)، جهت حمایت آنها برای بدست آوردن و اعتبار بخشیدن به مطالعاتشان در محیط کار خودشان فعالیت نموده‌ام. من با استفاده از شغلم درباره شغلم یاد گرفته‌ام. بطور فعالانه معلم را جهت کمک به خودم برای اینکه بتوانم درباره آن یاد بگیرم و آن را کارآمدتر سازم مورد پژوهش قرار داده‌ام، و به طور مداوم گزارش‌هایی از چگونگی تأثیرات کارم با دیگران را ارزشیابی نموده و ارائه کرده‌ام، به همان صورتی که الان در حال انجام آن هستم (برای مثال، مک نیف ۲۰۰۰، مک نیف و کولین^۱، ۱۹۹۴)؛ من دیگران را نیز برای انجام کاری مشابه خودم تشویق می‌کنم (نگاه کنید به، کولین و مک نیف، ۱۹۹۹، لیلیز، ۲۰۰۰). در نتیجه برخی مفاهیم عمده را ارائه نموده‌ام و اینکه آنها از مطالعه و عمل و آزمون ایده‌ها در برابر نظریه‌هایی که در پیشینه وجود دارد به وجود آمده‌اند. این یادگیری‌ها به نوبه خود یادگیری‌ها و اعمال جدیدی را ایجاد نموده است.

مفاهیم اساسی

آزادی و تکررگرایی آگنوستیک^۲

من به درک مناسبی از ایده آزادی در زندگی‌ام رسیده‌ام. گزارش راجر هاشیر^۳ را در مورد اینکه چگونه آزادی به اصل اساسی در فلسفه برلین تبدیل شده است، ارائه نموده‌ام؛ و اینکه ما در مفهومی کاملاً غیر جبری موجوداتی آزاد هستیم.

اساس و بنیانی که همه واژه‌های اخلاقی، بر آن متکی هستند: عقایدی همچون مسؤولیت داشتن، قدردانی کردن، ندامت، شایستگی، شکست خوردن (برلین، ۱۹۹۸، xxvj). آزادی به یک ارزش اصلی برای من تبدیل شده است،

1. Mc Niff and Collins

2. Freedom & Agnostic Pluralism
آگناستیک واژه‌ای یونانی است که دارای دو معنی است که هم رقابت و هم تعارضات شخصیتی در یک نمایش‌نامه غم انگیز را در بر می‌گیرد.

3. Roger Hausheer

شاید به این خاطر که هنگام مطالعه عمل خود، دریافتم که در قید و بند بوده‌ام. تا این اواخر که کاملاً سعی نموده‌ام به شخصی تبدیل شوم که دیگران آرزو کنند همانند من شوند. زمان زیادی از این قضیه نمی‌گذرد. من یاد گرفته‌ام که می‌توانم انتخاب کنم، می‌توانم خودم را به گونه‌ای که خودم می‌خواهم بسازم، البته تا آنجا که بوسیله ساختار زیست‌شناختی، تاریخی، جنسیت، و دیگر عناصر موقعیت اجتماعی محدود نشده باشم. با وجود این انتخابها همیشه مستلزم حفظ تناسب هستند و یاد گرفته‌ام که انتخاب عاقلانه چقدر می‌تواند مهم باشد و به دیگران کمک می‌کنم تا آنها نیز با توجه به پیامدهای انتخاب خود، چنین کاری را انجام دهند. همچنین پی بردم که چگونه در موقعیت خودم (جایی که توانسته‌ام تصمیم‌هایی درباره زندگی خودم اتخاذ کنم)، دارای امتیاز و برتری بوده‌ام. من به طور حرفه‌ای و مستقل باقی ماندم و قادر هستم فکر کنم و ایده‌هایم را به طور آزادانه بیان نمایم. برخی از مردم خیلی ممتاز اما نیازمند کمک هستند و من عمیقاً در جهت استفاده از این امتیاز و موهبت خودم برای کمک به آنهایی که چنین فرصتهایی ندارند خودم را مسؤول می‌دانم و از این مسؤولیت آگاهم.

من از اشعیه برلین^۱ و همچنین از کار جان گری^۲ کسی که تحت تأثیر تفکر برلین بود نکات بسیاری یاد گرفته‌ام، اینکه چقدر ارتباط ایده آزادی با تکثرگرایی مهم است. تشخیص اینکه تکثرگرایی ضرورتاً به معنای تلاش در جهت آشتی دادن دیدگاه‌های متعارض نیست بلکه به معنای درگیری با تضاد است، همچنان که برلین می‌گوید مردم همیشه در درجاتی از تضاد درگیر خواهند بود. هیچ ساختار جهان‌شمولی از ارزشها وجود ندارد که بتوان از طریق آن تضاد را حل نمود. حل تضاد وقتی امکان‌پذیر است که به درک و سازگاری اختلافات یکدیگر برسیم (این عقاید در فصل ۱۳ توضیح داده شده‌اند). گری این ایده را تکثرگرایی رقابتی (اگناستیک^۳)، نامیده است؛ اگناستیک واژه‌ای یونانی است که

1. Asaiah Berlin

2. John Gray

3. Agnostic Pluralism

معنای آن هر دو یعنی هم رقابت و برتری و هم تعارضات شخصیتی در یک نمایش نامه حزن انگیز^۱ را در بر می گیرد (گری ۱۹۹۵، ص ۱).

این ایده ها مرکز ثقل تفکر مرا نسبت به اقدام پژوهی تشکیل می دهد. بر خلاف آنچه که در سال ۱۹۸۸ فکر می کردم اقدام پژوهی به روشی که منجر به تفکر و اقدام واحدی می شود، اشاره ندارد بلکه به عمل پیچیده رسیدن به شناخت از طریق تلاش و کوشش بسیار، اشاره دارد. یادگیری خودم به عنوان بخشی از کوشش برای فهمیدن تبدیل شده است. بنابراین همانند میلر^۲ (۱۹۹۸) به اقدام پژوهی به عنوان مسیری خاص نگاه نمی کنم، بلکه به عنوان شکلی از عمل پیچیده و بغرنج می نگرم (رجوع شود استعاره چان^۳ از زمینهای پست باتلاقی زندگی عملی)، میلر می گوید: آخر الامر پذیرفتم که کوششم در باتلاق یک روش اقدام پژوهی بوده، نه مسیری برای پیدا نمودن روشی بهتر؛ (۱۹۹۸: ص ۶۲). من نیز به درکی مشابه دست یافته ام: که تحقیق به همان اندازه که درباره فرایند پاسخگویی به سوالات است به همان اندازه نیز در باره خود پاسخ هاست. غالباً یافتن یک پاسخ واحد غیر ممکن است و ما دقیقاً همان کاری را انجام می دهیم که به بهترین وجه ممکن با آنچه که داریم هم جهت باشد.

نیاز به شکل های دیالکتیکی از نظریه در جهت فهم عمل

من به محدودیتهای جدی رویکردهای مسلط کتدوکاوهای علوم انسانی پی برده ام. سخن برلین باز هم در اینجا می تواند مفید واقع شود. از نظر آن مکتب؛ اغلب رویکردهای تحقیقی علوم انسانی به آن (به علوم انسانی) به عنوان یک کل یکپارچه ی غیر پیچیده می نگرند. این رویکرد مورد سوء تفاهم واقع شده است. برای مثال، تاریخ یک داستان منسجم که بوسیله یک شخص آگاه گفته می شود نیست، بلکه انبوهی از روایت های متعدد است، که بوسیله خود مردم گفته شده

است، و همه این مردم در دیدگاهها، امیدها، انتظارات، و اشکال مختلف، سهیم هستند (برلین، ۱۹۹۸) برلین اینکه چگونه ویکو^۱ (نگاه کنید به ویکو، ۱۹۹۹) نیز چنین چیزی را با توجه به سیر تکامل علم به عنوان یک پدیده فرهنگی درک نموده را توضیح می‌دهد: هر فرهنگ فهم و قرائت خودش را از جهاتی که در آن استقرار یافته است داراست. تلاش برای نشان دادن تنوع و غنای زندگی انسان به عنوان یک داستان صریح، و سرپوش گذاشتن روی این حقیقت که؛ مردم به ندرت ارزش‌های اساسی را به اشتراک می‌گذارند، و به طور بالقوه همیشه در تضاد هستند، به معنای منکر شدن اهمیت سیر تحول اجتماعی به عنوان یکی از نیازهای مردم به شناخت یکدیگر به عنوان موجوداتی انسانی است، که انسان را قادر می‌سازد برای خودش فکر کند، و این چنین چیزی نیازمند زندگی در روشهایی است که به تکثرگرایی و وابستگی ذهنی و عملی توجه دارد.

این ایده‌ها به شدت مورد توجه همکارم جک وایتهد^۲، خودم و آن کسانی است که از یک نوع نظریه مناسب با مطالعه آموزشی و یادگیری، حمایت می‌کنند (برای مثال نگاه کنید به: وایتهد، ۱۹۸۹). من به نظریه‌های برتر انتقادی که یادگیری را به عنوان یک نوع موضوع خاص نشان می‌دهد، رسیده‌ام. این نظریه‌ها یادگیری را به عنوان موضوع مطالعه در نظر می‌گیرد. رویه مشابهی در بسیاری از کارهای معاصر که بر روی اقدام پژوهی صورت گرفته، نشان دهنده چنین رویه‌ای است. اقدام پژوهی و اعمال مردم این گونه مورد قضاوت قرار گرفته اند: آنها به عنوان انگاره‌های ذهنی و موضوعات مطالعه نشان داده شده‌اند، نه به عنوان اعمال و رفتارهای جهان واقعی.

این چنین رویکردهایی در دو جنبه زیر متناقض و متباین هستند: اول، گزارش‌هایی که به کندوکاوهای انسانی به عنوان پدیده‌ای منسجم و غیر پیچیده می‌نگرند، دوم، گزارش‌هایی که از یک دیدگاه و منظر خارجی ارائه شده‌اند.

1. Vico

2. Jack Whitehead

در عوض من به اهمیت ارائه گزارش هایی از عمل که بطور ذاتی دارای ماهیتی غیر پایدار و پیچیده هستند و اینکه چرا این گزارشها بایستی بوسیله خودشان ارائه شوند پی برده ام. به عبارت دیگر من به درک دلایلی جهت استفاده از رویکرد دیالکتیکی (به جای رویکرد گزاره‌ای) به عنوان شکلی منطقی برای فهم کندوکاوهای آموزشی پی برده‌ام.

من به این نکته علاقه مند شده‌ام که چرا بسیاری نظریه‌ها نیاز به ایجاد شواهد زنده (برای اینکه نشان دهند چگونه نظریه هایشان کیفیت زندگی خود و دیگر افراد را بهبود بخشند) را درک نمی‌کنند و چرا آنها ترجیح می‌دهند با مدل‌های نظری و مفهومی همراه شوند و در آن سطح باقی بمانند.

ایده بوردو^۱ در این زمینه می‌تواند مفید واقع شود؛ او می‌گوید (۱۹۹۰) برای بسیاری از افراد مدل بسیار مهم‌تر از واقعیتی است که آن مدل نمایانده آن است. من فکر می‌کنم که آن را بهتر درک نموده‌ام و اینکه چرا اینگونه است (اینکه چرا مردم مدلی از واقعیت را بر خود واقعیت ترجیح می‌دهند) را در تمامی این مباحث راجع به آن صحبت خواهیم کرد.

نیاز به مبنایی منطقی برای عمل

حمایت از کارورزان^۲ به گونه‌ای که آنها با کندوکاوهایی در مورد خودشان و درباره کارشان یاد بگیرند و عمیقاً درگیر شوند (در یادگیری که متعلق به خودم است) به من کمک کرد تا نظریه‌هایی درباره کاری که بایستی در درون خود کار شروع شود، ایجاد نمایم. این فعالیت با وارد کردن ایده‌های پیش دانسته در مورد اینکه عمل چگونه اتفاق خواهد افتاد، صورت نمی‌گیرد. شرایط مختلف شبیه یکدیگر نیستند. ایده‌ها با عمل شروع می‌شوند، و درون عمل استقرار می‌یابند. همان گونه که عمل سیر تکاملی خود را می‌پیماید نظریه نیز تکامل می‌یابد. آنچه مهم است اینست که یک شخص نظریه خودش را در برابر

1. Bourdieu

2. Pratitionere

نظریه‌های وسیع‌تر پیشینه (ادبیات مربوط به موضوع) مورد نقد و بررسی قرار دهد، مگر اینکه به نظر برسد نوعی از نظریه که به ما کمک کند تا موقعیت اجتماعی‌مان را بهبود بخشیم، خود آن نظریه برخاسته از یادگیری درباره عملی باشد که درون خود عمل قرار دارد، (از این رو، این به معنای انکار نظریه‌های گزاره‌ای که خود می‌تواند بینش‌های ارزشمندی ارائه کند و می‌تواند درون منطق عمل ما قرار گیرد، نیست) این دیدگاه کاملاً مخالف با عقیده مسلطی است که چهارچوب دانش موجود را برای عمل مورد استفاده قرار داده است اگر صادقانه بخواهیم بگویم، من اقدام پژوهی را به هنگام نوشتن ویرایش اول، چنین دیدم. من هنوز درگیر در نظام سنتی دانشی بودم که در من درونی شده بود، زمانی که من دانش آموز و پس از آن معلم بودم. اگر چه در حال انجام اقدام پژوهی بودم، هنوز یک نظریه رضایت بخش از آنچه انجام می‌دادم بوجود نیامده بود.

به عبارت دیگر در یک زمان بی‌اندازه طولانی (در حدود ۱۰ سال کار کردن به عنوان یک مربی حرفه‌ای، و درک حاصل از فرایند نوشتن و ارزشیابی و به همان اندازه در بیرون از رفتار محیط کاری) به آن رسیده‌ام. من از طریق تدریس یادگرفته‌ام. این تجربه همچنین مرا مجاب نمود که احساس نیاز به اینکه چیزی ارزش بررسی دارد مهم است، هر چند که فرد از پاسخی که در خلال زمان بروز خواهد نمود اطلاع ندارد، اگر احساس جستجوی او درست باشد در واقع او به نوعی شناخت رسیده است.

ارزش عدم قطعیت

اجازه بدهید به لزوم عدم قطعیت پردازیم. به نظر می‌رسد که با یک تناقض فلسفی روبرو هستیم: مطمئن شده‌ام که عدم قطعیت الزامی است. من با آسانی با این تناقض کارم را ارائه می‌دهم. من نیز همانند دکارت^۱، از یک چیز مطمئنم و آن خود زندگی است. زندگی غیر قابل پیش‌بینی، شگفت‌انگیز، زایا، خود تحول

است؛ و در همه چیز نفوذ دارد (بام و پیت^۱: ۲۰۰۰)، و این نظم زیبا و تحولی است، همچنین ماهیت عمل من بخشی از زندگی است (مک نیف، ۲۰۰۰) من مطمئن هستم که زندگی و عمل من رو به تکامل هستند و در جهت تصدیق شکلهای مثبت زندگی در حرکتند؛ اطمینان و نااطمینانی مکمل یکدیگرند، نه متضاد. به نظر می‌رسد توانایی نگهداری دو عنصر متضاد با یکدیگر یکی از خصوصیات دیالکتیکی می‌باشد (شکلی از نظریه که در بالا ذکر شده است) شکلی از نظریه که از منطق گزاره ای خطی ارسطویی مورد علاقه نظر پردازان آموزشی، فراتر رفته است (برای مثال، پرینگ^۲: ۲۰۰۰).

منطق گزاره‌ای در تلاش است تا تضاد کندوکاوهای انسان را برطرف سازد، درحالی که منطق دیالکتیکی متضمن این ایده است که زندگی انسان پر از تضادهاست. من دارم به لزوم خود باوری در رابطه با عدم قطعیت در زمینه‌ی توسعه حرفه‌ای پی می‌برم. وقتی برای اولین بار کارم را به عنوان یک مربی حرفه‌ای در اولین دهه ۱۹۹۰ شروع کردم، می‌پنداشتم که مقصود اصلی تحقیق جستجوی اطمینان و قطعیت است. در آن کار مسئولیت‌م آن بود که از درستی مسیر و ادامه کار اعضای دوره اطمینان حاصل نمایم. با وجود این بعد از سالها، فکر می‌کنم که کارم، تشویق افراد به رشد دادن اعتماد به نفس برای داشتن ذهن و روحی مستقل، سبک و سنگین کردن ایده‌های جدید، مورد سوال قرار دادن من، مخالفت کردن با همه کوشش‌های دیگران در زمینه‌های اجتماعی که باعث می‌شود تفکرشان به بن بست برسد، می‌باشد. کار من برانگیختن آنها جهت آگاهی یافتن از چگونگی یادگیری، و کاربرد دانش‌شان در جهت بهبود موقعیت اجتماعی خودشان می‌باشد.

اکنون اطمینانم از ارزش عدم قطعیت، حرکت کردن به سوی علایق کنونی نسبت به نوعی نظریه است که بیشترین تناسب را با توضیح و تفسیر نیروی

1. Bahm & Peat

2. Pring

بالقوة اقدام پژوهی (به عنوان روش یادگیری نسبت به عمل یک شخص) به عنوان قدرت نوسازی شخصی و اجتماعی دارد. این دیدگاه مبحث اساسی در این کتاب است. چه چیزی در تعریف اقدام پژوهی مورد بحث نیست: تعاریف بسیاری از اقدام پژوهی در ادبیات و پیشینه ی اقدام پژوهی یافت می شود. هر آنچه که در یک قضیه و مسأله وجود دارد شکلی از نظریه است که برای توصیف و تبیین فرایند اقدام پژوهی بکار می رود، کل قضیه و مسأله خواه تحقیق و جستجوی انسانی را به عنوان پدیده ای عینی که ما آن را از دور مشاهده می کنیم، یا به عنوان فرایند زندگی، ما بخشی از آن هستیم.

هویت چگونه ساخته شود

من پی برده ام که غالباً یک گروه کوشش می کند هویت افراد یا گروه های دیگر را بسازد و آنها را نهادینه سازد. ادوارد ساید (۱۹۹۵) توضیح می دهد که چگونه مفهوم شرق گرایی^۱ بوسیله مردم غرب در خود غرب ایجاد شده است (و درحقیقت چگونه طبقات اجتماعی شان را ساخته اند). او می گوید که شرق گرایی به طور عام بر حسب تجربه ی مردم طبقه متوسط غربی درک می شود. امروزه عمل مشابهی از اسکان^۲ و استقرار مفهوم اقدام پژوهی در دنیای اقدام پژوهی قابل رؤیت است. امروزه نظریه های برتری از اقدام پژوهی اساساً بوسیله روشنفکران مستقر در محیط های سازمانی آموزش عالی ساخته شده است. بهر حال، توجه کمی نسبت به اینکه چگونه اقدام پژوهی بایستی جهت جمع آوری و آزمون شواهد برای بهبود احتمالی کیفیت عمل بکار رود، اظهار شده است.^۳

نظریه زایا جدای از مقصود اجتماعی به پایانی در خودش، تبدیل می شود. با وجود این، اکنون نظریه های دیگری در حال ایجاد شدن است (برای مثال،

1. Orientalism

2. Colonisation

۳. نسبت به این وضعیت در برخی بخشها، مخصوصاً از طرف ارائه کننده گان اقدام پژوهی توضیح روشنی وجود دارد. آنها بارها گزارشهای بیشتری که بوسیله کارورزان دنبال می شود (نه در یافته های آموزشی) فرا خوانده اند، سؤال این است که چه اتفاقی افتاده است که چنین گزارشاتی غالباً ارائه و ظاهر نمی شوند؟